

دخمه‌های دوران اشکانی و ساسانی

در حاشیه کوه‌های زاگرس

احمد حیدری

دانشگاه تهران

استاد راهنما: ناصر نوروززاده چگینی

تاریخ: ۱۳۷۹

مقدمه

این پایان‌نامه در یک مقدمه چهار فصل تنظیم شده است. بخشی از مطالعات متفرقه نگارنده که ربطی به موضوع پایان‌نامه ندارد، به صورت مختصر در مقدمه آورده شده است و در یک بحث مختصر برداشتی نوین از مفاهیم آیات شریفه قرآن مجید، درباره چگونگی آفرینش انسان و انطباق آن با مطالعات نوین انسان‌شناسی ارائه می‌دهد. سپس نویسنده متوجه می‌شود که منظور از واژه دیلمون^(۱) در متون بین‌النهرین باستان به مفهوم نام جغرافیایی خاصی نبوده که بتوان مکان آن را در جغرافیای طبیعی کنونی یافت، بلکه منظور از واژه دیلمون شرق به معنای عام آن بوده است، چرا که در نظر سومریان و بابلیان معنای دیلمون برابر با شرق (محل طلوع خورشید) بوده است. در بین‌النهرین باستان اعتقاد به خورشید نزد مردم مقام شامخی داشته به گونه‌ای که هر چیزی که منشأ آن در آسمان و به خصوص در شرق (محل طلوع خورشید) باشد مقدس به شمار می‌رفته است. از این رو می‌توان گفت اصطلاح دیلمون نزد سومریان به تمامی مناطق شرق سومر تعبیر می‌شده است. پس دیلمون بهشت سومریان ارتباط نزدیکی با سمت و سوی طلوع و یا جایگاه خورشید مقدس داشته و منظور از دیلمون بهشت سومریان تمامی مناطق شرق سومر بوده است.^(۲)

فصل اول: دین ایران باستان و آثار آن

در این فصل مروری بر چگونگی اندیشه‌ی دینی و تحولات مذهبی رخ داده و تأثیر آن بر تحولات معماری مذهبی ایران در ادوار مختلف نشان داده می‌شود. مبحث مورد مطالعه از آغاز دوره‌ی

بخشی از پایان‌نامه‌های محققین جوان در حقیقت گنجینه با ارزش و گمنامی است که شایسته است به نحوی مقتضی مورد استفاده قرار گیرد. در همین راستا مجله اثر در نظر دارد از این پس صفحات ویژه‌ای را به چاپ و انتشار خلاصه پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان کارشناسی و کارشناسی ارشد اختصاص دهد لذا از مجامع دانشگاهی و فارغ‌التحصیلان دوره لیسانس و دوره فوق لیسانس دعوت به همکاری می‌نماید تا با ارسال خلاصه‌ای از پایان‌نامه‌های خود، در زمینه معماری و هنرهای وابسته با ذکر مشخصات (عنوان رساله، نام استاد راهنما و تاریخ) همراه با تصاویر و طرح‌های مربوطه، این مجله را در تحقق این هدف یاری دهند.

هخامنشی تا پایان دوره ساسانی است. برای سهولت مطالعه سعی شده تا نظام فکری مورد نظر بر اساس شواهد زبانشناسی و انطباق آن با آثار باستانی به صورت زیر طبقه بندی شود. در این فصل نگارنده متوجه می شود که آن معبدی که به معبد آناهیتای بیشاپور معروف شده، معبد آتش آناهیتا بوده و همین معبد را در میان معبد آپولو می گفته اند.

دوره دیویسنا (از دوره مادها تا ۵۲۲ پ.م)

«در فهرست نام خدایانی که در اسناد کتابخانه آشوربانی پال یافت شده است. نام میترا و اسر مژاش Assara Mazas به عنوان خدایان مادها نام برده شده است.»^(۳) نگارنده به این نتیجه می رسد که میترا به معنای خدای خورشید و اهورامزدا به معنای آفتاب دانا بوده است. از این رو دو خدای مادها آفتاب و خورشید مقدس، و دارای جایگاهی برابر در آسمان (جایگاه خدایان) بوده اند. در دنیای باستان به خصوص در بین النهرین این اعتقاد وجود داشته که جایگاه تمامی نیروهای شر و اهریمنی در زیرزمین و جایگاه تمام نیروهای نیک و اهورایی در آسمان می باشد. گفته شد «دو خدای آسمان را هندوها deva یونانی ها [deus از ریشه deus]، در اوستا daeva (دیو) به معنی خدا»^(۴) می باشد.

به نظر می رسد کوروش و سپس کمبوجیه هر دو به خدای آسمان daeva اعتقاد داشته اند. از این رو کوروش نیایشگاهی برای ستایش خدای آسمان daeva در محلی که امروزه تل تخت یا تخت مادر سلیمان می نامند ساخت. کمبوجیه نیز در مدت کوتاه حکومتش همان سیاست مذهبی پدرش را ادامه داد.

دوره آیین مزدیسنا (= مهر پرستی) (۵۲۲ پ.م تا ۴۰۴ پ.م)

با ظهور داریوش اول در آیین و معماری مذهبی ایران تغییراتی پدید می آید. گمان می رود داریوش که از سوی اشراف مادی (نه مغان مادی) حمایت می شده پس از به قدرت رسیدن تغییراتی در مذهب مادها و پارس ها پدید می آورد، وی به جای پرستش دو خدای میترا و اهورا (= به عنوان دو خدای همسان آسمانی) تنها اهورامزدا (= آفتاب دانا) را نیایش می کند و به او متوسل می شود و از ذکر نام خدای میترا خودداری می کند. داریوش هم چنین به نقر سنگ نوشته هایی که در آن ها خود و پدر و جدش را ستایش

کننده اهورامزدا معرفی می کند، می پردازد. وی تل تخت یا نیایشگاه کوروش را تخریب نمی کند بلکه با ساخت برج و بارویی، کاربری و ساختار معماری آن را تغییر می دهد. سپس برای خدای حامی حکومت و دولت خود (اهورامزدا) معبدهای برجی شکلی، ابتدا در پاسارگاد (زندان سلیمان) و سپس در نقش رستم (کعبه زرتشت) را احداث نموده و این بناها را وقف اهورامزدا می نماید. به عبارتی کاربری کعبه زرتشت همانند یک ساعت خورشیدی برای تعیین گاه های نیایش اهورامزدا (آفتاب دانا) بر اساس تابش خورشید می باشد. داریوش اول در همان زمانی که ساختار و کاربری مصطبه تل تخت را تغییر می دهد برای نیایش اهورامزدا اقدام به ساخت محوطه مقدس (آتشدان و پلکان سنگی) می نماید. داریوش اول برای اولین بار اقدام به ساخت گورهای صخره ای می کند که احتمالاً قدیمی ترین آرامگاه صخره ای ایرانیان آرامگاه صخره ای داریوش اول در نقش رستم می باشد. آرامگاه داریوش به شکل صلیب و با ایوانی همانند ایوان کاخ آپادانا در تخت جمشید، در سینه کوه حجاری شده است. اگر ما بپذیریم که ایجاد آرامگاه صخره ای به شکل صلیب عمودی بوده می توان پذیرفت که در باور آیین مزدیسنا (= مهر پرستی) منظور از ایجاد شکل صلیب صعود روح متوفی به آسمان (جایگاه خدایان) بوده که این پندار بعدها وارد دیانت مسیحیت می شود و منظور از عیسای به صلیب کشیده شده صعود روح عیسی به آسمان به تأثیر از آیین مزدیسنا (= مهر پرستی) می باشد.

نویسنده همچنین متوجه شد که سه شکل نمادین ۱- آتشدان، ۲- خورشید بالدار، ۳- قرص با هلالی در زیر آن بیانگر تثلیث اهورامزدا به اشکال سه گانه می باشد. چنان که در آیین مغان هر شیء مقدس دارای سه بعد ۱- ذات (جرم) ۲- شکل، ۳- روح بوده است. و از آن جا که گفته شد منظور از اهورامزدا (= آفتاب دانا) مفهومی برابر با نور، خورشید یا آفتاب بوده است. از این رو داریوش در حالی که دست خود را به حالت نیایش برابر اشکال سه گانه اهورامزدا به تصویر می کشاند، می توان سه شکل نمادین مورد نیایش داریوش را بدین صورت که منظور از ۱- خورشید بالدار = روح اهورامزدا، ۲- منظور از آتش فروزان در آتشدان = ذات یا جرم اهورامزدا، ۳- منظور از قرص مدوری که پایین آن هلال است = شکل اهورامزدا است.

با روی کار آمدن خشایارشا بر خلاف پدرش ساخت هر گونه مکانی برای ستایش اهورامزدا (و یا خدایان دیگر) ممنوع

می‌شود. و حتی در یک اقدام احتمالاً تخریبی، بازمانده‌های نیایشگاه تل تخت و شاید هم زندان سلیمان در پاسارگاد را نابود می‌کند. سیاست منع ساخت مکانی برای نیایش خدایان و حتی هورامزدا از زمان خشایارشا تا پایان حکومت داریوش دوم ادامه می‌یابد.

دوره دیویسنا (۴۰۴ پ.م تا ۲۷۲ م)

با روی کار آمدن اردشیر دوم علاوه بر پرستش و نیایش هورامزدا، میترا و آناهیتا نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. از زمان اردشیر دوم به بعد احتمال ساخت نیایشگاه برای ستایش خدایان ممکن می‌گردد. چنان که گور؟ - نیایشگاه صخره‌ای قدمگاه در اواخر دوره هخامنشی و احتمالاً در زمان اردشیر دوم ساخته می‌شود که بیانگر اجرای رسم ایلامی در آیین مغان می‌باشد که این رسم در نقش کورانگون دیده می‌شود.

در سراسر دوره دیویسنا (۴۰۴ پ.م تا ۲۷۲ م) به خصوص پس از دوره هخامنشی ایجاد معابدی با پلان مشابه آیدانای شوش پدیدار می‌شود. در تدفین صخره‌ای ایجاد صقه‌هایی (کف مسطح روباز) در جلوی آرامگاه‌های سلطنتی هخامنشی تخت جمشید آشکار می‌گردد که احتمالاً بیانگر تدارک محلی برای تردد یا نیایش می‌باشد. در اواخر دوره هخامنشی و احتمالاً از زمان اردشیر دوم به بعد به برخی از ساتراپ‌ها اختیاراتی داده شده که می‌توان یکی از این آزادی‌ها را ایجاد گوردخمه‌ها برای ساتراپ‌ها یا حاکمان منطقه لیکه و ماد نام برد. در این رساله قدمت گوردخمه‌های ایجاد شده در سرزمین ماد را در اواخر دوره هخامنشی را تحت عنوان گوردخمه‌های هخامنشی مآب نامگذاری شده است. معماری این گوردخمه‌ها بسیار متفاوت بوده از این رو قدمت گوردخمه‌های مادی از لحاظ عناصر معماری به سه دسته تقسیم شدند.

۱- گوردخمه‌هایی با دو ستون در ایوان ورودی مانند: دکان داوود، کورخ کیچ، فرهاد و شیرین (کیکاوس) صحنه، که قدمت آنها از زمان اردشیر دوم تا پایان حکومت اردشیر سوم پیشنهاد شد.

۲- گوردخمه‌هایی با نیم ستون‌هایی در ایوان ورودی مانند: گوردخمه قیزقاپان و دائودختر که هر دو دارای سر ستون ایونی هستند و به نظر می‌رسد در پایان حکومت هخامنشیان و در زمان حملات اسکندر ایجاد شده باشند که این امر نفوذ ملموس حجاران

ایونی را نشان می‌دهد.

۳- گوردخمه‌های فخریکا و روانسر که به نظر می‌رسد هر دو این دخمه‌ها پس از پایان حکومت هخامنشیان و احتمالاً در دوره سلوکیان ساخته شده باشد. چنان که گوردخمه فخریکا به تأثیر از گوردخمه‌های پافلاگونییه احتمالاً در دوره سلوکیان ساخته شده است. گوردخمه روانسر دارای ایوانی ساده و فاقد ستون می‌باشد، فضای داخلی دخمه کاملاً ساده و فاقد عنصر معماری خاص (چون گور وانی شکل، بستر سکو مانند، تاقچه جهت گذاردن جسد و استخوان) می‌باشد. به نظر می‌رسد با سقوط هخامنشیان و نفوذ فرهنگ هلنیستی در گوردخمه‌ها ایجاد عناصر معماری خاص جهت گذاردن جسد و استخوان الزامی نمی‌گردد. همانند گوردخمه‌های دائودختر (در پایان دوره هخامنشی و آغاز یورش اسکندر گجسته)، روانسر (احتمالاً دوره سلوکی)، شیرین بوچکه صحنه (دوره اشکانی).

در این رساله معماری صخره‌ای دوره دیویسنا (۴۰۴ پ.م تا ۲۷۲ م) به چند دوره تقسیم می‌شود:

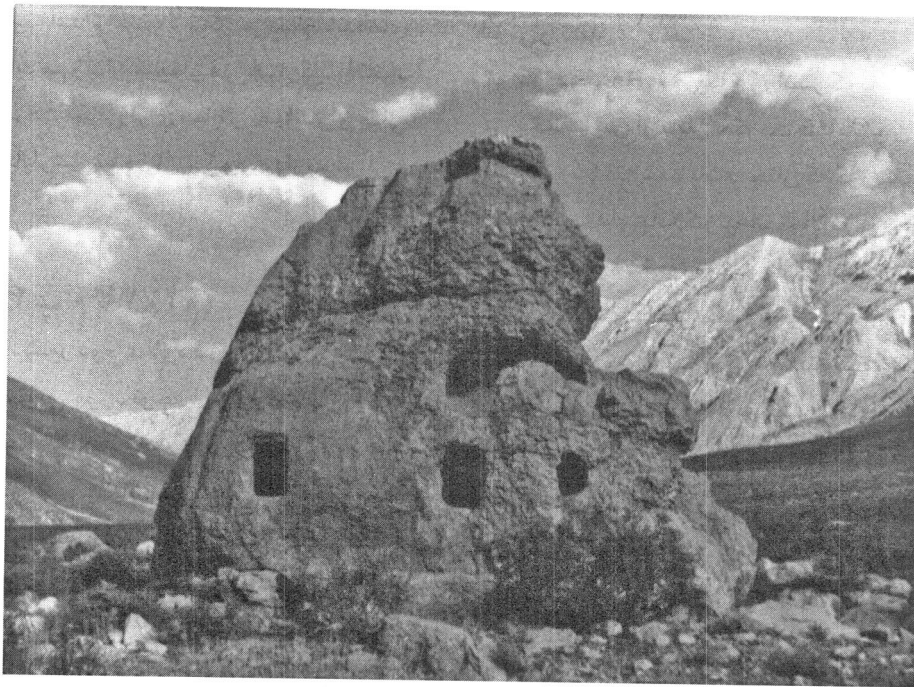
۱- اواخر دوره هخامنشی: در این مقطع زمانی علاوه بر گورهای سلطنتی هخامنشی، گوردخمه‌هایی نیز از حامیان مادی و لیکه ساخته می‌شود.

۲- دوره هلنیستی (۲۲۳ پ.م تا حدود ۲۷ پ.م):

در این دوره فرهنگ و اقتصاد هلنیستی بر سراسر سرزمین ایران حاکم می‌شود، اقتصاد هلنیستی که مبتنی بر توسعه شهرنشینی در مسیر راه‌ها و تجارت بین شهرها بوده جایگزین اقتصاد دوره هخامنشی که مبتنی بر توزیع ثروت از سوی سرکرده قوم بود را می‌گیرد. از این رو گمان می‌رود در دوره هلنیستی ایجاد گوردخمه منسوخ می‌شود و تنها معماری صخره‌ای این دوره غار دست‌کند کرفتو می‌باشد. البته شاید به توان با احتمال ساخت سه گوردخمه فخریکا، روانسر و آخور رستم را در اوایل دوره هلنیستی (۲۲۳ پ.م تا ۲۷ پ.م) به خصوص دوره سلوکی دانست و معتقد شد که پس از هخامنشیان برخی از حاکمان محلی برای مثال در پارس فراتاداران گوردخمه‌های آخور رستم را برای خود بسازند و یا در ماد به تقلید از هخامنشیان دست به ساخت این گوردخمه‌ها زده‌اند.

۳- دوره دگرگونی فرهنگی یا مرحله گذار از عصر هلنیستی (حدود ۵۰ پ.م تا ۵۰ م.):

تقابل و همسایگی دو نیروی متفاوت اقتصادی و نظامی جدید



تصویر ۱- نمایی از دخمه‌ای الیمایی واقع در دزداران (چهار محال بختیاری)

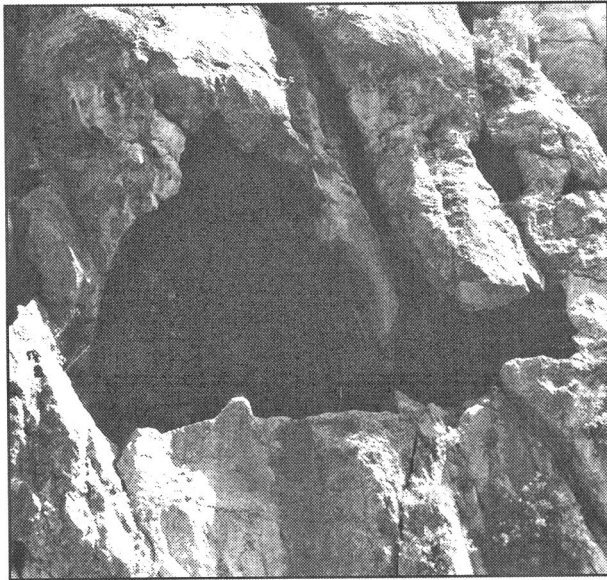
کرفتو) کاربری جهت تدفین (گذاردن جسد یا استخوان متوفی) داشته ولی پس از ۴۵ م با نفوذ فرهنگ‌های بین‌النهرینی و تأثیر مهاجرت‌های صابیین و از سویی با زوال فرهنگ هلنیستی و توسعه تجارت شهرهای کاروانی در اواسط سده اول م. دوباره سنت معماری صخره‌ای با کاربری‌هایی چون گوردخمه، گور- نیایشگاه، نیایشگاه صخره‌ای در جنوب، جنوب غربی و غرب ایران رواج می‌یابد.

در این رساله علاوه بر توصیف دخمه برناج در پشت کوه بیستون، نتیجه گرفته می‌شود که دخمه برناج مربوط به اواخر دوره اشکانی و به احتمال مربوط به سده دوم میلادی می‌باشد و بعدها در اوایل دوره ساسانی دخمه‌های اسحاق‌وند و شمس‌آباد حجاری می‌گردند (تصویر ۲).

با اصلاحات مذهبی کرتیر (بعد از ۲۷۲ م.) و سپس تبدیل دیانت زرتشتی به عنوان دین رسمی کشور، سنت ساخت گوردخمه که در آن جسد متوفی را در آن می‌گذارند منسوخ شد و به جای ایجاد گوردخمه، استودان یا تاقچه صخره‌ای ایجاد می‌گردد که در آن استخوان‌های مرده را می‌گذارند. پس از اصلاحات مذهبی کرتیر ایجاد استودان به اشکال مختلف چون: ۱- تاقچه‌های صخره‌ای، ۲- گودال صخره‌ای، ۳- حفره‌های

یعنی اشکانیان و رومیان موجب ایجاد تحرکات نظامی و تبادل و تمایلات اقتصادی شد که این تصادم پس از یک سده موجب پدید آمدن دوره‌ای می‌شود که ما از آن به نام ۴- دوره تجارت پالمیریان (۴۵ م تا ۲۷۲ م) نام می‌بریم. از حدود ۴۵ م به بعد با تحولات فرهنگ‌های محلی یا منطقه‌ای، از این زمان به بعد اقتصادی مبتنی بر تجارت شهرهای کاروانی به سیادت پالمیر رواج می‌یابد. در این دوره به علت تقویت فرهنگ‌های محلی ایجاد گوردخمه در سطح وسیعی از جنوب غربی ایران به خصوص سرزمین الیمایی صورت می‌گیرد. در دوره تجارت پالمیریان (۴۵ م تا ۲۷۲ م) و به خصوص تا آغاز دوره ساسانی معماری صخره‌ای در سرزمین الیمایی با کاربری‌هایی چون گوردخمه، نیایشگاه صخره‌ای ایجاد می‌گردد. در ساخت گوردخمه‌های الیمایی ورودی گوردخمه‌ها تنها به ابعاد گذارندن یک جسد تعبیه می‌شده است و تقریباً در تمامی دخمه‌ها حفره‌هایی وجود دارند که محل نصب درب دخمه بوده‌اند. عناصر معماری فضای داخلی دخمه به اشکال مختلف است برای مثال گاه فضای دخمه کاملاً ساده و گاه در یک دخمه گور وانی شکل و گاه دو یا سه بستر بالشتکی دیده می‌شود (تصویر ۱).

تا پیش از ۴۵ م. تمامی اتاق‌های کنده شده در صخره (به جز

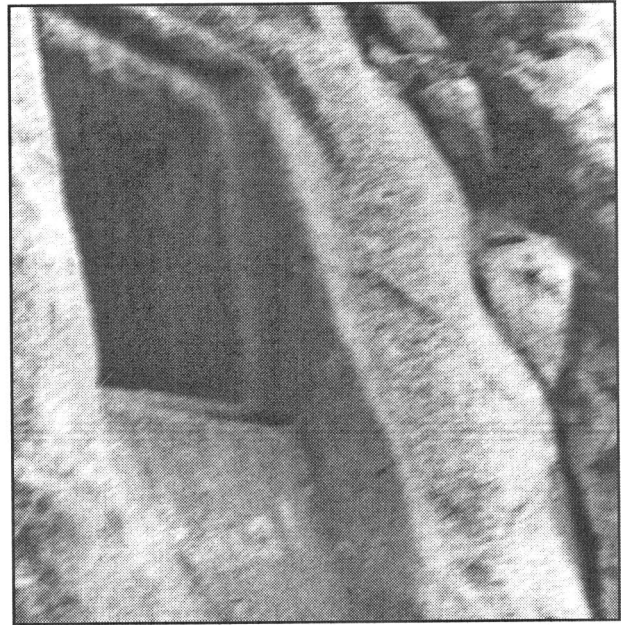


تصویر ۳-نمایی از مغاره شمشیرپاوه (احتمالاً اوایل دوره صفوی)

سرانجام با پیدایش دولت صفوی در سراسر کشور آثار معماری صخره‌ای فراوانی ایجاد می‌گردد.

پانوشت:

- ۱- سامونل کریمر موقعیت کنونی دیلمون را بحرین کنونی می‌دانند. (ن.ک: سامونل کریمر، «الواح سومری»، داود رسایی، فرانکلین، چاپ اول، ۱۳۴۰، ص: ۱۶۸) و برخی از محققان سعی نموده‌اند موقعیت دیلمون را در مکانی در شرق سومر و یا جنوب ایران بیابند.
- ۲- به نظر نویسنده هر چند ممکن است برای مکن و ملوخ به توان محلی در جغرافیای تاریخی یافت ولی نام دیلمون واژه عامی بوده که به تمامی مناطق شرق سومر (جایی که خورشید مقدس طلوع می‌کند) اطلاق می‌شده است.
- ۳- هنریک سامونل نیبرگ، «دین‌های ایران باستان»، سیف‌الدین نجم‌آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، چاپ نخست، ۱۳۵۹، ص: ۳۳۴.
- ۴- مهرداد بهار، «ادیان آسیایی»، نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص: ۲۶.



تصویر ۲-نمایی از دخمه برناج (سده ۲م.) واقع در نزدیکی بیستون

صخره‌ای، ۴- گور- نیایشگاه‌های صخره‌ای (مانند دو ایوان بزرگ و کوچک تاق بستان) ۵- گور- صندوق سنگی sarcophag (مانند: گور- صندوق سنگی پنگان و درودزن).

در دوره اسلامی معماری صخره‌ای در ایران با کاربری‌هایی چون گور (مانند خانه سنگی شوشتر)، نیایشگاه (مسجد سنگ داراب)، و یا مغاره‌هایی جهت اسکان انسان و دام (مانند مغاره‌های اطراف جاده هراز) ایجاد می‌شود. در سده‌های اولیه دوره اسلامی معماری صخره‌ای ابتدا در سواحل خلیج فارس (مانند چهل‌خانه برازجان) ایجاد می‌گردد و سپس از سده ۶ هجق به بعد به خصوص در دوره صفویه در سراسر کشور ساخته می‌شود. (تصویر ۳) به نظر می‌رسد در دوره اسلامی توسعه معماری صخره‌ای با کاربری نیایشگاه یا محل تدفین ارتباط نزدیکی با گسترش عقاید صوفی‌گری داشته باشد، چنان‌که با حمله مغول به ایران تصوف در ایران گسترش یافته به گونه‌ای که